

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۱۷ می ۲۰۱۱

تجارت خون "آی.اس.آی"

با

"سی.آی.ای" و "تیم های مرگ" کودک کش آن

۷

هفتم: چگونگی به قتل رسیدن بن لادن:

همان طوری که تا اینجا گفته آمدیم، "تیم مرگ" و به تبعیت از آن، تمام کاخ سفید و رسانه های وابسته، در تمام مدتی که از حمله جنایتکارانه بر خانه "هیبت آباد" می گذرد به علاوه آن که معلومات درستی در زمینه به قتل رسانیدن بن لادن نداده اند آگاهانه و بسیار هدفمند نیز کوشیده اند، با ارائه معلومات غلط و متناقض خوانندگان را در موقعیتی قرار دهند که به همه چیز شک نموده، حتا اگر رگه هائی از حقیقت نیز از اینجا و یا آنجا به صورت عمدی و یا تصادفی و حدس و گمان افشاء می گردد، بی باورانه برخورد نماید و این درست همان چیز است که امپریالیزم از ارائه معلومات غلط می خواهد بدان دست یابد، بر همه چیز شک داشتن، و جرایمی را که حین اجرای آن عمل مرتکب شده اند، نادیده انگاشتن.

چنانچه در نخستین ساعات بعد از حمله، "تیم مرگ" ادعا نمود که بن لادن مقاومت نمود و کشته شد. بعد تر ادعا نمودند که گویا بن لادن در حالی که بزدلانه و نامردانه زنش را برایش سپر ساخته بود، از طرف "قهرمانان جدید امریکا!!!" به ضرب گلوله به قتل رسید.

فردای آن از زبان دختر خورد بن لادن نقل شد که پدرش را در حالی که زخمی در سینه داشت اعضای "تیم مرگ" از اتاق به زیر زمین برده در آنجا وی را به قتل رسانیدند.

به تعقیب خبر، "تیم مرگ" خبر اولی خود را به ارتباط همسر بن لادن تصحیح نموده، گفتند: به محض ورود اولین امریکائی در داخل اتاق، همسر بن لادن بروی حمله نمود- فراموش نکنید همه دست خالی اند و چیزی برای دفاع از خود ندارند- در نتیجه قبل از اصابت گلوله به بن لادن، وی مورد مضروب و یا مقتول شد.

همچنین گفته شد، که هر چند بن لادن مسلح نبود مگر حرکاتی از خود نشان داد که از آن مقاومت احساس شده در نتیجه به قتل رسید. ببینید در عدالت گستری کاخ سفید برای کشتن حرکات تهدید آمیز نیز کفایت می کند. با در نظر داشت تمام این حرفها بدون آن که "تیم مرگ" و آمران آنها در کاخ سفید، بدان اذعان نمایند، چند نکته خود را متبازل می سازد:

- ۱- بن لادن با وجود آن که مدتها از آغاز حمله آنها بر ساختمان می گذشت، هنوز هم در اتاق خواب خود بود.
 - ۲- علت این توقف در اتاق خواب هرچه بوده باشد به یقین جبن و ترس نبوده، چه اگر وی از "تیم مرگ" و مرگ را به چشم دیدن می ترسید، حرکاتی از خود بروز نمی داد تا درک تهدید از آنها شده موجب قتلش بگردد.
 - ۳- به احتمال اغلب علت، علت توقفش در اتاق وضع خراب و زار جسمی اش بوده که توان برخاستن و مقابله را از وی سلب نموده بود.
 - ۴- ادعای این که زنش را خودش سپر ساخته باشد، یکی از آن دورغهای رذیلانه ایست که "تیم مرگ" از خود جعل نموده است. در حالی که بسیار ممکن است تا "تیم مرگ" که از نام بن لادن سخت در هراس بودند، بز دلانه بر همه چیز آتش کشوده باشند و بدان سان دو تن از زنها و یک تن از اطفال را نیز در آنجا به قتل رسانیده باشند.
 - ۵- اگر ادعای مقاومت همسر بن لادن صحیح باشد، می تواند به مثابه یک عکس العمل طبیعی از طرف یک زن برای حمایت از شوهر بیمارارش که نای برخاستن از بستر را نداشته است، قابل فهم باشد.
 - ۶- این که هیچ کس من جمله افرادی که در اتاق حضور داشتند، کشته شدن بن لادن را در داخل اتاق ندیده اند و در بدترین حالت دخترش از زخمی شدن پدرش یاد آوری می نماید، می رساند که قضایای دیگری نیز ممکن است مطرح باشد که فعلاً از آن اطلاع نداریم.
- و اما این که واقعاً در آن اتاق چه گذشته است، کوشش می نمایم تا به رؤیت چند عکسی که خود نشر نموده اند، از دور سری به اتاق زده و ببینیم که قضایا چگونه بوده است:





خواننده عزیز!

لطف نموده بار دیگر به این دو قطعه عکس که گویا از اتاقی که بن لادن در آن جا به قتل رسیده برداشته شدن اند، با دقت بیشتر نظر کن، تا آنچه را "تیم مرگ" نمی خواهد بگوید، خود متوجه گردی.

در عکس اول که در کنار تخت یک چهارپایی کهنه هم وجود دارد، آیا می توانید باور کنید که در آن اتاق کشمکشی صورت گرفته باشد، و آنهم به شکلی که عده ای خواسته باشند فردی را که از خود مقاومت نشان می دهد، بکشند؛ مگر با آنهم در همان فضای تنگ هیچ آسیب به آن چهارپایی کهنه نرسد. از آن گذشته هرگاه فرد مقتول، هرکسی که بوده باشد در اصل فرق نمی کند، توان با پا ایستاده شدن را داشته و در بستر بیماری زمینگیر نبوده باشد چرا باید بعد از حد اقل نیم ساعت جنگ و درگیری که "تیم مرگ" به ناگزیر قبل از رسیدن به آن اتاق پشت سر گذاشته بود، فرد مورد نظر که می داند هدف نابود کردن وی است بر بالای بستر و در کنار همسر و اطفالش خود را به کشتن دهد؟

در عکس دوم که اتاق دیگری را نشان می دهد، نلی که تا زیر بستر امتداد یافته به یقین نل آب نبوده تا بن لادن هنگام نوشیدن از آن استفاده نماید.

وقتی این عکسها را به خاطر نگهداریم، و برویم دنبال ادعای کاخ سفید که گویا بر اساس گلوله چهره بن لادن چنان تخریب شده بود که نشر تصاویر آن برای طرفدارانش برانگیزنده می باشد، باید از خود پرسید وقتی تمام جنگ و خونریزی در بستر خواب صورت گرفته است پس شواهد تخریب صورت کجاست؟

برای آنهایی که مرده ای را که به وسیله گلوله از بین رفته است از نزدیک ندیده اند و نمی دانند که صورت با اصابت یک مرمی چه حالتی به خود می گیرد باید بنگارم که تمام ادعا های کاخ سفید فقط مثنی دروغ است و بس.

چه هرگاه بپذیریم که فرد مقتول یا همان بن لادن ادعائی، به وسیلهٔ اصابت گلوله کشته شده است، باید از خود بپرسیم که گلوله از کدام سمت وارد شده و از کدام سمت خارج شده است - از آن فاصلهٔ نزدیک و با کالیبری که "تیم مرگ" با آن مسلح است با قاطعیت می توان گفت که گلوله باید خارج شده باشد. چه هرگاه گلوله از طرفی که وارد می شود فقط به اندازهٔ قطر یک انگشت کوچک می تواند سوراخ نماید، حین خروج هرگاه به مانعی مانند استخوان سر برخورد نماید، با شکستادن و پاشاندن بخشی از قسمت عقبی سر، به عمر نفر خاتمه می دهد، در چنین موارد از آنجائی که گلوله از پیشروی یعنی قسمت نرم اصابت نموده است، نه در قسمت جلو تغییر فاحشی را به وجود می آورد و نه هم زمان عکس برداری عادی جای زخم در پس سر می تواند هویدا باشد. هرگاه قضیه عکس آن صورت گرفته باشد یعنی به قسمی که مرمی از عقب داخل و از جلو صورت خارج گردد، به جرأت می توان نوشت که از جلو باز هم به جز همان یک سوراخ با قطر حدود یک سانتی متر، چیز دیگری به مشاهده نمی رسد، حالت دیگر آن است که مرمی از یک شقیقه داخل و از دیگر آن خارج شده باشد، در چنان صورتی هم با آن که از هر دو طرف، مجسمهٔ مقتول تخریب می گردد، مگر در صورت جسد آن چنان تغییری به وجود نمی آید که پخش آن عکسها بیش از عمل کشتن باعث تحریک دیگران گردد.

این نکته را باید بیفزائیم در دو حالت می تواند صورت مقتول از شناخت بیرون شده اشمئزار انگیز و تحریک کننده گردد.

نخست آن که به جای یک و یا دو و حتا سه گلوله، جاغور های متعدد بر چهرهٔ یک فرد خالی شود به قسمی که هر مرمی قسمتی از مجسمه را از عقب با خود پراکنده سازد و در نتیجه چهره از شناخت بیرون می شود و در ثانی زمانبست که قاتلان عقده مندانه به اصطلاح مردم کوهدامن سر دشمن را "چکیده" باشند یعنی سر را بالای جسم سختی مانند سنگ گذاشته و با سنگ بزرگ دیگر بار بار بر آن بکوبند و یا عرادهٔ سنگینی را از بالای آن عبور دهند در چنین حالتی نیز، مجسمه از بین رفته و صورت از شکل اصلی خود بیرون می شود. کاری که جنایتکاران حزب اسلامی، هنگامی که به جسد زنده یاد "کبیر" دست یافتند با همین شیوه برخورد نموده بودند.

حال وقتی کاخ سفید اعلام می دارد، که برای تثبیت هویت بن لادن به علاوهٔ تست های "د. ان. آ." به باز سازی چهره نیز دست زدیم تا مطمئن شویم که فرد مقتول همان بن لادن است، خود باید بگویید که به کدام طریقه ای چهره را غیر قابل شناخت ساخته بودند، آیا انتقام جویانه ده ها و صد ها مرمی را بر وی خالی نموده بودند و یا این که از روی کله جسم سنگینی را عبور داده بودند؟

و اما مشاهدهٔ عکسها و ادعای کاخ سفید یک نکتهٔ دیگر را نیز نمی تواند جواب گوید، هرگاه همین عکسها همان محلی باشد که در آنجا، بن لادن آنها را با چنان قساوت به قتل رسیده باشد که مجسمه اش پاشان شده بود، چرا هیچ نوع اثری از پوچک های آنها مرمی وجود ندارد و از آن گذشته مرمی هائی که از کله بیرون شده با آن که هنوز از سرعت تخریبی برخوردار بود. اگر نمی بود از کله خارج نمی شد. چرا هیچ نشانی از خود بر بالای بستر ها نگذاشته است؟ نکند "تیم مرگ" به خاطر دل نازک خانم وزیر خارجه، با خود ملاقهٔ سفید نیز داشته اند که بعد از ختم عملیات آنها بر روی خونهای ریخته شده و وضع ناهنجار اتاق کشیده اند. این کار را به هیچ صورت نمی کردند زیرا کم خطر جلوه دادن عملیات، کم کردن "افتخار" آنان است.

از تمام این ها گذشته، تمام آنهایی که یا معلومات طبی دارند و یا هم در جریان سه دههٔ اخیر به شکلی از اشکال با دفن عزیزان و یا دشمنان، خون و جسد را از نزدیک دیده اند به خوبی می دانند، که زخم ناشی از مرمی آنها از فاصلهٔ چنان نزدیک آنقدر خونریزی ندارد. دلیل آن هم کاملاً روشن است، گلوله در هنگام اصابت از آن جائی با

حرارت فوق العاده زیاد داخل بدن می گردد، تقریباً بیشترین قسمت جدار اصابت خود را قسمی می سوزاند که خون خیلی کمی از آن بیرون می زند، و این که در عکس اول و دوم آنهمه خون وجود دارد، دو نکته را می تواند، بیشتر از همه چیز تداعی نماید:

یا این که تعداد مقتولین یک و یا دو نفر نبوده بلکه در همان بستر چندین نفر به قتل رسیده اند و یا این که "تیم مرگ" آنها را سر بریده است.

با بریدن سر و به اصطلاح حلال کردن است که تمام خون از بدن خارج شده و آنهمه خون از خود باقی می گذارد. آنچه در ختم این بخش نباید ناگفته گذاشته شود، ادعای کاخ سفید است که گویا آنها برای اطمینان این که، مقتول همان بن لادن بوده، چهره وی را بازسازی نموده اند. اگر بپذیریم که آنها در تمام این پروسه خونین تنها همین قسمت را راست گفته باشند، می دانید چه استنتاجی از مجموع پروسه می تواند حاصل شود:

عدم اطمینان کامل از موجودیت بن لادن در آن خانه.

به عبارت دیگر آنها بدون آن که مطمئن باشند که شکار همان بن لادن است، حاضر شده حاکمیت ملی پاکستان را نقض کنند، حیات چند تن از بهترین سربازان خود را بدون اطمینان به نتیجه آن به خطر بیندازند و از همه بالاتر می تواند مصداق کامل داستان فرار روباه از ترس "بریدن قبل از حساب کردن" به شمار آید.

نمی دانم کاخ سفید با چنین دلایلی، خودش از ضریب هوش چندانی برخوردار نیست و یا این که عامدانه می خواهد به خوانندگان دشنام دهد.

ادامه دارد